

رونمایی از

۲ فرهنگ جدید

در نکوداشت دهخدا

همزمان بامراسم بزرگداشت یاد و خاطره علامه علی اکبر دهخدا در سالروز درگذشت این استاد بی نظیر ادبیات فارسی، از دو کتاب فرهنگ جدید رونمایی شد. تألیف این دو کتاب بخشی از طرح «یک متن، یک فرهنگ» است که اجرای آن از شهریور امسال در بخش تألیف مؤسسه لغت‌نامه دهخدا به ریاست دکتر حمیرا زمردی و به سرپرستی بهروز صفرزاده آغاز شده است. در این طرح برای هر یک از متون کهن فارسی، فرهنگی

جدگانه تألیف می‌شود. در مرحله نخست این طرح، چند متن منثور از قرون چهارم تا هفتم هجری برای این کار انتخاب شده‌است که در دست تألیف است. در مراسم بزرگداشت علامه دهخدا دو کتاب «فرهنگ نوروزنامه» تألیف دکتر لیلاکردبچه و «فرهنگ مقدمه شاهنامه» تألیف دکتر علی حیات‌بخش رونمایی شدند. نوروزنامه، اثری منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری است که احتمالاً اوایل قرن ششم نگاشته شده

است. خیام در این کتاب درباره جشن نوروز، حقایق مربوط به این جشن و تحلیل مراسم مربوط به آن اطلاعات ارزشمندی به مخاطبانش داده است. «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» اثری منثور متعلق به قرن پنجم هجری است که قدیمی‌ترین متنی است که به زبان فارسی در دسترس مافار دارد. این کتاب، یکی از اولین و مهم‌ترین منابعی بوده است که فردوسی برای نگارش شاهنامه در اختیار داشته است.



تهدیدهای یک فرصت

تمام چالش‌ها، آسیب‌ها و تهدیدهایی که در این بخش برای شهروند– خبرنگاری برشمرده می‌شود، دو بستر و زمینه دارد که تمام آن چالش‌ها به آن دو زمینه

برمی‌گردد؛ یکی نبود سواد رسانه‌ای شهروندان در خصوص استفاده از ابزار دیجیتال برای تولید محتوا و گردش اطلاعات و دیگری خلأقانونی اعم از خلأتقنینی و قوانین جزایی. حقیقت این‌است که مسأله آموزش استفاده از فناوری‌های ارتباطی دیجیتال و سواد رسانه‌ای، ضرورتی انکارناپذیر است که چند نهاد حاکمیتی متکفل آن هستند، در حالی که مشاهده می‌شود با تمام آسیب‌هایی که فقدان این آموزش‌ها به جامعه ایرانی وارد کرده و می‌کند، بازاین تکلیف حیاتی و سرنوشت‌ساز مورد غفلت واقع شده است. خلأقانون‌گذاری و پیش‌بینی‌های جزایی در خصوص پدیده‌هایی مثل شهروند– خبرنگار نیز به همین صورت بوده و معطل رها شده است.

با به‌رسمیت شناخته‌نشدن شهروند– خبرنگاری و عدم تمهید فضای آموزش عمومی درخصوص این پدیده باید شاهد لوژشدن مفهوم خبرنگاری و خود مفهوم شهروند– خبرنگار و تقلیل و تبدیل شأن آن به سلفی بگیر باشیم. تغییر و تحریف معنای خبرنگاری، چالشی است که در کوتاه‌مدت دامن عرصه ارتباطات و رسانه را خواهد گرفت و به جای آن‌که شهروند – خبرنگاری را ذیل خبرنگاری رسمی و حرفه‌ای طبقه‌بندی کنیم باید شاهد عکس این ماجرا باشیم. این‌که نظام خبرنگاری مرسوم تحت‌الشعاع پدیده‌های نوظهور و کمتر اصیل قرار

بگیرد وفرع بر آن‌ها عمل کند، حقیقتاًناهنجاری عمیقی است

که آسیب‌های غیرقابل جبرانی را

در پی خواهد داشت. آسیب

احتمالی دیگر که مدت‌هاست

بالبغل شده، جایگزینی

وند – خبرنگاری

و تخصصی اکثفا

باید به سه رکن

توجه داشت. با

ین‌که خبررسانی

رت اطلاع‌رسانی

چشمگیر سرعت

به‌ها از اصلی‌ترین امکانات و فرصت‌هایی

ص و حفره‌های قانونی، دو بستر ی هستند که از یک سو، آسیب‌های دوازده‌گانه احتمالی و بالفعل را فراهم می‌کنند؛ و س – خبرنگار، یکی از اصلی‌ترین تهدیداتی است که بر سرویس‌های بیگانه، مهم‌ترین مصداق تهدیدآمیز بودن رسانه‌های فارسی‌زبان معاند که تعدادشان هم کم نیست

کنند.

فرامرز بهزاد درگذشت

فرامرز بهزاد، استاد زبان و ادبیات آلمانی در دانشگاه تهران، زبان‌شناس، مترجم و فرهنگ‌نویس پیشکسوت ایرانی در ۸۷ سالگی در آلمان درگذشت. بهزاد سال ۱۳۱۴ در رشت متولد شد. از او به عنوان یکی از پل‌های شاخص بین زبان‌وادبیات آلمانی وفارسی یاد می‌کنند

و فرهنگ آلمانی. فارسی او یکی از معتبرترین فرهنگ‌های آلمانی به فارسی است. او همچنین کتاب علمی «هشت گناه بزرگ انسان متمدن» نوشته کئراد لورنئس را با همکاری پدرش، محمود بهزاد ترجمه کرد. ترجمه «گفت‌وگو با کافکا» نوشته گوستاو یانو، «دربارۀ تئاتر» نوشته برتولت برشت، «تفنگ‌های خانم کارار و رویاهای سیمون ماشار» نوشته برتولت برشت، «پزشک دهکده» نوشته فرانتس کافکا، «نامه به پدر» نوشته فرانتس کافکا، «شوید در جنگ جهانی دوم» نوشته فرانتس کافکا و «آندره سگوبویا از نگاه من» نوشته جان دووورت از دیگر آثار اوست.



اسناد

افزوده شدن ۱۲ مجموعه اسناد تاریخی به کتابخانه ملی

یکصد و چهل و چهارمین جلسه کارگروه کمیته ارزیابی و خرید اسناد آرشیوی غیردولتی با حضور اعضای این کارگروه در معاونت اسناد ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار شد و ۱۲ مجموعه شامل ۱۵۷ ردیف اسناد و مدارک ارزشمند آرشیوی ارزشیابی و قیمت‌گذاری شد.
مجموع اسناد ارزیابی شده شامل انواع عقدنامه‌های بزرگی و دفترچهای، احکام، تقسیم‌نامه، وصیت‌نامه، وقف‌نامه، مصالحه، میابعه و اجاره‌نامه، وکالت‌نامه، استشهاده و استعلام‌نامه، ذمه‌نامه، تصدیق‌نامهچ، دفترچه قبالة آب، شراکت‌نامه، قرارداد و تعهدنامه، ضمانت‌نامه و دعوتنامه می‌شود.
از مهم‌ترین اسناد خریداری شده در این جلسه می‌توان به دو میابعه‌نامه متعلق به دوره زندیه، مجموعه‌ای از اسناد میابعه، مصالحه، استشهاده، وقف‌نامه، وصیت‌نامه، اوراق حکمیة، صورت جمع و خرج از منطقه یزد، مجموعه مکاتبات روحانیون و مجتهدان، مانند میرزا عبدا... واعظ تهرانی، شیخ اسحاق رشتی، شیخ محمد خالصی‌زاده، آیت‌ا... شیخ‌علی قومی علم‌الهدی، حاج محمد جعفر نظام‌الشریعه، مجموعه گسترده‌ای از اسناد متعلق به جامعه زرتشتیان ایران و... اشاره کرد.

نقاشی جدید روح‌الامین

برای آتش‌نشان شهید

جدیدترین نقاشی حسن روح‌الامین، هنرمند نقاش کشورمان به دارایی آتش‌نشان شهید تقدیم شد.

حسن روح‌الامین هنرمند نقاش متعهد و انقلابی که به مناسبت‌های مختلف اثر خلق می‌کند، این بار پس از شهادت قریب‌رضا دارابی آتش‌نشان از خود گذشته، اثری با عنوان « ققنوس » را تقدیم روح او کرد.

شهید قریب‌رضا دارابی در حادثه آتش‌سوزی ساختمان اداری در خیابان بهار به مقام پر فیض شهادت نائل آمد، صبح دیروز دوشنبه هشتم اسفند با انجام تشریفات از اداره مرکزی سازمان آتش‌نشانی تهران در خیابان آزادی خیابان میمنت تشییع شد.

یادمان

جام جمه

فرهنگ

CULTURE

سه‌شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۱ شماره ۶۴۴۲

برش

استاد بی‌تخصص

شاگرد متخصص نمی‌سازد

دانشگاه و مدرسه نهادهای مهمی هستند که می‌توانند به فراهم‌شدن زیرساخت‌های آموزشی و توسعه سوادرسانه‌ای وایجاد شهروند– خبرنگار متعهد و بی‌نقص در کشور در کنار رسانه‌ها و سازمان‌های رسمی کمک کنند. یکی از اقداماتی که می‌توان برای این اهداف انجام داد، برگزاری دوره‌های آموزشی و تخصصی و تولید محتوا در این خصوص و تعیین سرفصل‌های درسی پیرامون موضوع خبرنگاری مردمی و سوادرسانه‌ای به صورت علمی و تخصصی است. آنچه اکنون درباره واحد درسی سواد رسانه‌ای در مدارس می‌توان گفت این است که معلمان این واحد درسی عمدتاً از تخصص و بعضاً تعهد لازم برای تدریس این درس برخوردار نیستند.

در مورد شهروند– خبرنگاری، مانند بسیاری از پدیده‌های مدرن و وارداتی، خلأ قانونی وجود دارد و کاربران تکلیف خود را در برابر قانون نمی‌دانند و چه بسا به‌دلیل همین بلاتکلیفی یا ناآگاهی از قوانین، ناخواسته در دام سرویس‌های جاسوسی بیگانه یا رسانه‌های معاند افتاده و مرتکب جرایم امنیتی شوند. در این باره رسانه‌ها باید نهادهای قانون‌گذار، قضا و آموزش – پرورش را به رفع این خلأها راهنمایی و تشویق کنند. البته این خلأها فراتر از حوزه قانون به معنی اخص است و شامل تمام وجوه عملی زیست انسان ایرانی می‌شود. به تعبیر دیگر هم به لحاظ فقهی، هم قوانین موضوعه مجلس، هم از حیث قانون جزا و هم از لحاظ اخلاقی، بلاتکلیفی‌ها و معماها و شبهات متعددی موجود است که کاربران را به شکلی دچار سرگردانی کرده است. این در حالی‌است که شهروند–

خبرنگاری توسط رسانه‌های جریان معاند تبدیل به یک چالش چندوجهی سیاسی، امنیتی و فرهنگی شده و به طور پیوسته و مکرر در پی تحریک کاربران مبنی بر ارسال اخبار و گزارش‌ها از داخل ایران هستند. اما از لحاظ اجرایی، نهادهای دولتی و حاکمیتی هم در ساماندهی و سازمان بخشیدن به پرونده شهروند– خبرنگاری نقش عمده‌ای دارند. از طراحی پلتفرم مخصوص شهروند– خبرنگاری بومی و ایجاد زیرساخت‌های اینترنتی تا تشویق شهروندان به ارسال گزارش‌های تصویری و خبری به نهادهای مربوط و رسانه‌های رسمی که می‌تواند به تقویت مرجعیت داخلی وبومی‌سازی این پدیده کمک کند. در فضای رسانه‌ای داخلی، سامانه‌ها و پلتفرم‌هایی هستند که ارتباط نزدیکی با شهروند – خبرنگاری دارند و کاربران و شهروندان را متقیم با این پدیده درگیر می‌کنند. به عنوان مثال، می‌توان به سامانه «فارس من» وابسته به خبرگزاری فارس اشاره کرد که می‌تواند به‌عنوان یک الگوی تجربی شناخته شود. منتها مسأله

این است که این سامانه و موارد مشابه، مرجعیت ملی و عمومی ندارند و ثانیاً تولید محتوا اعم از خبر یا گزارش فنی و جنبه‌های آموزشی خبرنگاری برای شهروندان در آنها اولویت نخست نیست، بلکه این سامانه و نمونه‌های شبیه آن، عمدتاً به ایجاد پوشش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای تامین مطالبات می‌پردازند. برخلاف انگاره‌هایی که به‌طور مستمر و متد توسط رسانه‌های جریان ضدانقلاب در خارج از مرزا و جریان اصلاح‌طلب در داخل کشور تبلیغ می‌شود، تصویر از بین رفتن مرجعیت صداوسیماست اما نطرسنجی‌ها حاکی از میزان نسبتاً مطلوب مرجعیت این نهاد است. تبلیغ جهت‌دار شهروند – خبرنگاری و تبدیل آن به یک چالش امنیتی برای نظام، موضوعی است که از مجرای القای گزاره از بین رفتن مرجعیت صداوسیما محقق می‌شود. رسانه‌ها به‌خصوص سازمان صداوسیما باید به فکر ارتقای معیارهایی همچون سرعت و حرفه‌ای شدن در خبررسانی به‌ویژه در مواقع بحران باشند. کاهلی و خطا در خبر رسمی عواملی هستند که به‌تدریج به تضعیف مرجعیت خبری صداوسیما و رسانه‌های داخلی می‌انجامند و از سوی دیگر به باورپذیری روایت ضدانقلاب و عقبه داخلی ایشان مبنی بر اعتماد نداشتن مردم به این رسانه‌ها و ترویج جاسوس – خبرنگاری مطلوب آنها منجر می‌شوند.

سقوط اخلاق اجتماعی

چالش‌های اخلاقی نیز مانند همیشه در تحلیل پدیده‌های مدرن خودنمایی می‌کنند که در مورد شهروند – خبرنگاری می‌توان به تناقض و معماهای اخلاقی مانند دوگانه اطلاع‌رسانی و امداد اشاره کرد. صرف‌نظر از دوگانه‌ها باید به آسیب‌هایی اشاره کرد که مستقیماً اخلاق در عرصه‌های اجتماعی و فردی را هدف می‌گیرند. شهروند – خبرنگاری منهای اخلاق، قابلیت هتک حرمت و آبروی افراد و ترویج بی‌اخلاقی را دارد، کما این‌که تاکنون موارد زیادی بوده که انتشار تصاویری از حریم شخصی افراد به اتفاقات خلاف شریعت و اخلاق منجر شده است.

در این مورد استمداد از فتاوی مراجع عظام تقلید می‌تواند موثر باشد، مثلاً از نظر مراجع تقلید، استفاده از لباس مبدل و گریم برای تهیه خبر به صورت مخفیانه، «در صورتی که موجب تحقق عنوان حرام – مثل افشای عیب خفی یا هتک مومن هر چند نزد خود خبرنگار – شود، حرام است». همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که بر شیوع این پدیده بدون رعایت معیارهای آموزشی و حرفه‌ای مرتبط می‌شود، رائل شدن زبان معیار و زبان رسمی کشور است. این چالش آسیب عمیقی به زبان رسمی کشور وارد می‌کند.

محتوای ضدبشری برای یک شعار توخالی

فضاسازی رسانه‌ای برای وضع تحریم‌های حقوق بشری علیه کشور، چالش دیگری است که بر رواج این پدیده مرتبط می‌شود. این اتفاق با توجه به تحولات اخیر کشور و روی کارآمدن دولت حجت‌الاسلام رئیسی، بیشتر در شرف وقوع است. تولید اخبار و گزارش‌هایی از درون زندان‌ها یا مسائل صنفی و جنسیتی، محمل‌هایی هستند که فشارهای حقوق بشری از مجرای آنها محقق می‌شوند و شهروند – خبرنگاری در این باره می‌تواند یک ابزار باشد که این فشارها و تحریم‌ها را تسهیل کند.

برای فرصت‌سازی هنوز دیر نیست

یکی از اقدامات زیربنایی که در زمینه تحول و اصلاح شهروند–خبرنگاری در کشور ضروری به نظر می‌رسد، تولید ادبیات و کلیدواژه‌سازی است. در نگاه نخست، شاید بومی سازی زبانی این پدیده قدری دیر، ناموجه یا بی‌فایده به نظر برسد اما در حقیقت با تعمق در جوانب اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این پدیده ملاحظه خواهیم کرد که این موضوع یک ضرورت انکارناپذیر است که هم نهادهای متولی مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی و هم رسانه‌ها، راجع به بازسازی زبانی و تبلیغ و ترویج آن سهم و تکلیف دارند.